

آریا

سرمدی اکرمی



مؤسسه انتشارات نگاه
«تأسیس ۱۳۵۲»

آریا / موسی اکرمی، ۳۳۲ -
تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۳۹۵
۵۷۶ ص.

ISBN: 978-600-376-130-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. داستان های فارسی - قرن ۱۴.

موضوع: Persian fiction - 20th century

PIR۸۳۳۴/ک۳۷۴ ۱۳۹۵ ۸۶۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۷۳۴۵

آریا

مجموعه علمی و فرهنگی

چاپ اول: ۱۳۹۵، چاپ دوم: ۱۳۹۶، کسری، شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶-۱۳۰-۸

شمارگان: ۲۰

حق چاپ محفوظ است

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: انقلاب، خ. شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۶۶۴۸۰۳۷۷، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۷۰۷-۶۶۴۶۶۹۴۰



negahpub.com



negahpublisher@yahoo.Com



Instagram.com/negahpub



Telegram.me/newsnegahpub

فهرست بخش‌های پنج فرگرد از «حدیث بی‌قراری‌های آریای جوان»

- چهارشنبه: فرگرد یکم
۱. رخت بریندم و تا اگه سلاخ بروم ۱۳
 ۲. هر آن که خدمت جام جهان را بکند ۲۳
 ۳. راز این پرده نهان است و نهان تراهد بود ۳۰
 ۴. وجود نازکت آزردۀ گزند مباد ۴۰
 ۵. ملول از همراهان بودن طریق کاردانی نیست ۴۶
 ۶. نه هر درخت تحمل کند جفای خزان ۵۳
 ۷. ز اخترم نظری سعد در ره است که دوش ۵۹
 ۸. لیکن چنان مگو که صبا را خبر شود ۶۴
 ۹. عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکم است ۶۹
 ۱۰. شرح این قصه مگر شمع برآرد به زبان ۷۸
 ۱۱. قرار برده ز من آن دو نرگس رعنا ۸۵
 ۱۲. یاد باد آن روزگاران یاد باد ۹۱
 ۱۳. من کز وطن سفر نگزیدم به عمر خویش ۱۰۲
 ۱۴. و رای حد تقریر است شرح آرومندی ۱۰۸
 ۱۵. ز شوق نرگس مست بلندبالائی ۱۱۷
 ۱۶. سال‌ها رفت و بدان سیرت و سان است که بود ۱۲۵

۱۷. روی بنمای و وجود خودم از یاد ببر..... ۱۳۳
۱۸. حافظ بد است حال پریشان تو ولی..... ۱۴۳
۱۹. در نظر نقش رخ خوب تو تصویر کنم..... ۱۵۳

فرگرد دوم: پنجشنبه

۲۰. عروس غنچه رسید از حرم به طالع سعد..... ۱۶۵
۲۱. در این چمن گل بی خار کس نچید آری..... ۱۷۵
۲۲. من آن نیم که دهم نقد دل به هر شوخی..... ۱۸۵
۲۳. تا بگویم که چه کشفم شد از این سیر و سلوک..... ۱۹۴
۲۴. احوال من به ابل دستان سرا بگو..... ۲۰۲
۲۵. با چشم بروی تو چه تدبیر دل کنم..... ۲۰۹
۲۶. هرکسی عیب من که بین آن که می‌رس..... ۲۱۷
۲۷. از در عیش و آسایش به عیب مهوی..... ۲۲۴
۲۸. قبول کرد به جار هر سخن که جانان گفت..... ۲۲۹
۲۹. لیکن چنان مگو که دلسا را خبر بود..... ۲۳۵
۳۰. یاران صلاهی عشق است گریز از کاری..... ۲۴۳
۳۱. مردم دیده ما جز به رخت ناظر نیست..... ۲۴۹
۳۲. وفا مجوی ز دشمن که پرتوی ندهد..... ۲۵۹
۳۳. جان پرور است قصه ارباب معرفت..... ۲۶۴
۳۴. وان مواعید که کردی مرواد از یادت..... ۲۷۷

فرگرد سوم: جمعه

۳۵. در سراپای وجودت هنری نیست که نیست..... ۲۸۷
۳۶. احباب حاضرند به اعدا چه حاجت است..... ۲۹۶
۳۷. یغمای عقل و دین را بیرون خرام سرمست..... ۳۰۸
۳۸. نسیم عطرگردان را شکر در معجر اندازیم..... ۳۱۶
۳۹. همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس..... ۳۲۵
۴۰. مردم چشمم به خون آغشته شد..... ۳۳۳

- ۳۳۸..... ۴۱. هیئات که رنج تو ز قانون شفا رفت
- ۳۴۳..... ۴۲. روندگان طریقت ره بلا سپرند
- ۳۴۹..... ۴۳. از این سموم که برطرف بوستان بگذشت
- ۳۵۴..... ۴۴. هر آنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر
- ۳۶۴..... ۴۵. آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست
- ۳۷۱..... ۴۶. مهر بر لب زده خون می خورم و خاموشم
- ۳۷۹..... ۴۷. در هر طرف که ز خیل حوادث کمین گهی است
- ۳۸۶..... ۴۸. زلف بتی حلقه کند در گوشم

ترگرد چهارم: شنبه

- ۳۹۵..... ۴۹. اتحادی است که در سر د قدیم افتاده است
- ۴۰۵..... ۵۰. یاران همنشین همه از هم جدا شدند
- ۴۱۵..... ۵۱. مشتاقم از برای خدا یک شکایت بکنم
- ۴۲۳..... ۵۲. آفتابی است که در پیش و محابی دارد
- ۴۳۰..... ۵۳. رند عالم سوز را با مصلحت بینی چه کرد
- ۴۳۷..... ۵۴. یکی به سکه صاحب عیار ما فرسد
- ۴۴۴..... ۵۵. ابرو نمود و جلوه گری کرد و رو بیست
- ۴۵۲..... ۵۶. کاین دل غم زده سرگشته گرفتار کجاست
- ۴۵۷..... ۵۷. یاران چه چاره سازم با این دل رمیده
- ۴۶۴..... ۵۸. امروز تا چه گوید و بازش چه در سر است
- ۴۷۵..... ۵۹. نادیده هیچ دیده و نشنیده هیچ گوش
- ۴۸۰..... ۶۰. از آن به دیر مغانم عزیز می دارند
- ۴۹۴..... ۶۱. مرغ روحم که همی زد ز سر سدره سفیر

ترگرد پنجم: یکشنبه

- ۵۰۵..... ۶۲. ورنه از جانب ما دل نگرانی دانست
- ۵۱۶..... ۶۳. سینه تنگ من و بار غم او هیئات
- ۵۲۳..... ۶۴. یاران صلاهی عشق است گر می کنید کاری

۶۵. الا یا ائیهالساقی ادر کأساً و ناولها..... ۵۳۲
۶۶. که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها..... ۵۴۴
۶۷. روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت..... ۵۴۹
۶۸. مُردم در این فراق و در آن پرده راه نیست..... ۵۵۷
۶۹. یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید..... ۵۶۴